

آیا مشکلات مهاجرت خشونت های خانگی را افزایش می دهد ؟



مهاجرت و مشکلات ناشی از آن ممکن است عامل دیگری برای خشونت خانگی برای خانواده های مهاجر باشد.

در شرایطی که بسیاری تصور میکنند که با مهاجرت تمام چالش ها و دشواری های خانواده ایشان در کشور مادری باقی می ماند. وبا مهاجرت به کشور جدید با این تصور که در جامعه ای مدرن خواهند بود و از تمام حقوق برابری جنسیتی برخوردار می شوند. اما واقعیت این است که تعداد بسیاری از جوامع مهاجر کوله باری از آداب و رسوم، فرهنگ، سنت ها، مسائل دینی و عقاید فردی گاه مذهبی و افراطی را با خود به کشور میزبان می آورند.

زنان خانواده های مهاجر نه تنها بسیاری از فشارهای مهاجرت را به دوش می کشند و اغلب وظیفه ایجاد تعادل بین اعضای خانواده در جامعه جدید را به عهده دارند بلکه بسیاری از آن ها مسئول پر کردن شکاف های روحی و روانی ناشی از جدایی از ریشه ها از کشور مادری هستند.

در این بین ، موانع زبانی، تفاوت های فرهنگی، تغییرات عمیقی که در محیط

زندگی، آب و هوا و شرایط مالی خانواده به وجود می آیند نیز می توانند منشا اختلافات بین اعضای خانواده باشد.

مردانی که در کشورهای مادری به دلیل ویژگی های فرهنگی، مردسالاری حاکم بر فرهنگ و جامعه و تربیت خانوادگی و کسب قدرت و نابرابری در نظام خانواده بر زنان خود خشونت اعمال می کردند، به احتمال بسیار پس از کوچ اصلاح نخواهند شد و به روند پیشین خود ادامه می دهند.

زنان مهاجر اغلب به دلیل نداشتن دانش کافی در مورد قوانین و قواعد زندگی در محیط جدید، موانع زبانی، شرم و حیا، ترس های نهادینه شده در نظام فرهنگی جامعه ای که در آن بزرگ شده اند، وحشت از تنهایی، مشکلات اقتصادی و ... به سختی به سراغ نظام های حمایتی، خدمات بهداشتی و درمانی و قانون و پلیس می روند و درخواست کمک می کنند. آنها به شدت نگران انگ های مختلفی هستند که از سوی جامعه ای که ریشه هایشان به آن تعلق دارد، بر پیشانی شان بچسبد. همین امر هم سبب می شود تا چرخه مردسالاری و خشونت خانگی- حتی در کشورهای توسعه یافته و جهان اولی- همچنان ادامه پیدا کند.

در ادامه به تعریف خشونت خانگی چیست؟ و انواع خشونت خانگی را با هم بررسی میکنیم .

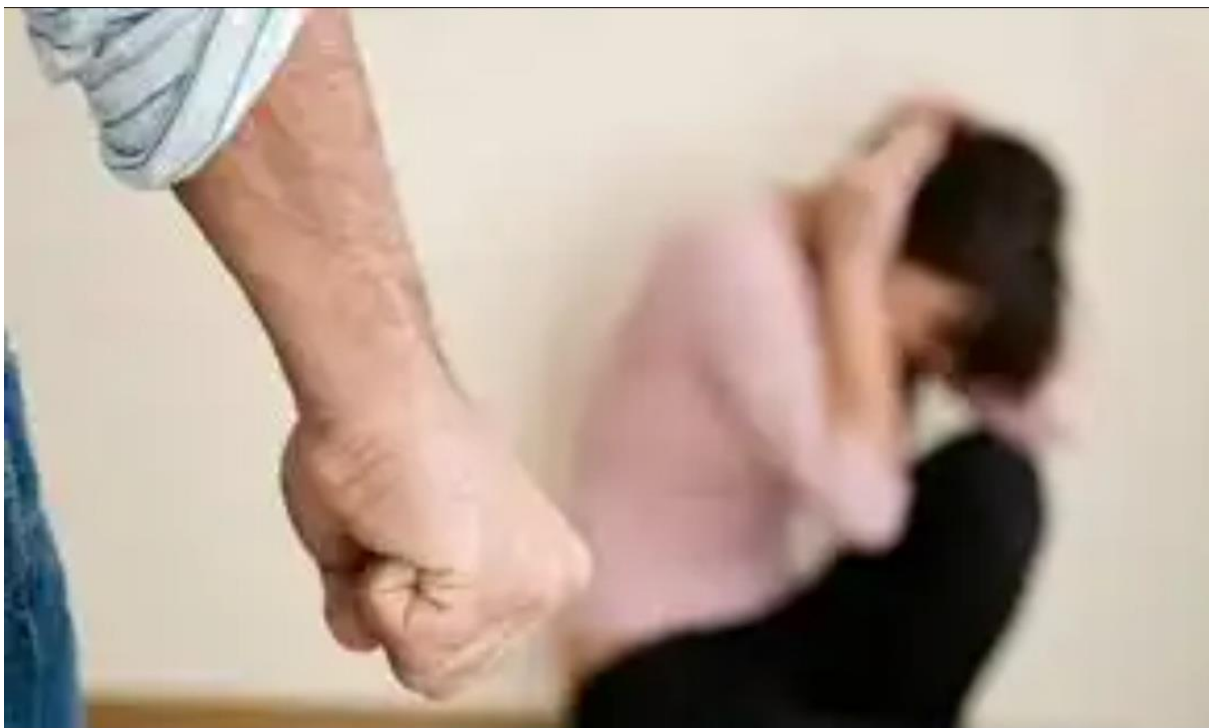
خشونت خانگی چیست ؟

خشونت خانگی چیست؟ همان گونه که می دانید خشونت نوعی رفتار است که به صورت فیزیکی یا غیرفیزیکی به منظور آزار دادن و آسیب رساندن رخ می دهد. خشونت خانگی هر گونه رفتار یا واکنش خشونت آمیز نسبت به یک یا چند تن از اعضای خانواده است که از سوی یک یا چند تن از اعضای خانواده نسبت به قربانی انجام می شود. بیشترین میزان خشونت خانگی در جهان نسبت به کودکان انجام می گیرد. دومین خشونت رایج مربوط به زنان است که بیش تر از سوی مردان انجام می شود. اما مردان نیز می توانند قربانی خشونت خانگی

شوند. خشونت خانگی پیشینه‌ای طولانی دارد و در هر جامعه‌ای دیده می‌شود. به همین خاطر است که تلاش برای حل این معضل جهانی، دغدغه مهم سازمان بهداشت جهانی و کشورهاست.

انواع خشونت خانگی

خشونت خانگی علیه زنان، بنابر تعریف سازمان ملل عبارت است از: «هر نوع عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر به آسیب جسمی، جنسی و



روانی به زنان شود.» مطابق این تعریف انواع خشونت خانگی عبارت‌اند از:

- **خشونت جسمانی:** کتک زدن، شکنجه، قطع عضو، سوزاندن، قتل
- **خشونت روانی:** باج‌گیری، توهین، تحقیر، تهدید، حسادت، بدبینی، ترساندن
- **محرومیت:** گرفتن استقلال مالی، مصادره اموال، طرد
- **خشونت جنسی:** تجاوز جنسی، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی

همچنین اخیراً مصادیق دیگری از خشونت از جمله خشونت اقتصادی نیز جزء بندی قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، مواردی مانند ازدواج اجباری، و این دسته

ازدواج و بارداری دختران زیر ۱۸ سال نیز از مصادیق خشونت خانگی علیه شوندد. زنان محسوب می

علت بروز خشونت خانگی چیست؟

عوامل گوناگونی در بروز خشونت خانگی موثر هستند. ضعف فرهنگی، کهن‌الگوهای نادرست، نقص قانون، مشکلات اقتصادی و اجتماعی، اختلالات روان‌شناختی، اعتیاد و باورهای نادرست دینی می‌تواند زمینه‌ساز بروز خشونت خانگی شود. در این مورد عامل موثر برای پیشگیری از بروز خشونت خانگی، حمایت نهادهای قانونی کشورهاست. متأسفانه نقص قانون در برخی از کشورها باعث می‌شود که از قربانیان خشونت خانگی حمایت درستی انجام نشود. در نتیجه بر شدت مشکلات فرد افزوده می‌شود.

خشونت خانگی علیه کودکان

کودکان اصلی‌ترین قربانیان خشونت خانگی هستند. کودکان بیش‌تر مورد خشونت کلامی یا جسمانی قرار می‌گیرند. تنبیه‌های بدنی سخت جسم و جان این کودکان را تهدید می‌کند. اما آمارهای آزار جنسی کودکان نیز در این مورد کم نیست. این کودکان به دلیل ناآگاهی نمی‌توانند از حقوقشان دفاع کنند. در نتیجه جوامع گوناگون به فکر افزایش آگاهی کودکان در مدارس و رسانه‌ها می‌پردازند تا بتوانند از خشونت خانگی علیه کودکان پیشگیری کنند. کودکانی که قربانی خشونت خانگی می‌شوند بیش از دیگران در خطر بروز اختلالات روانی گوناگون مانند افسردگی، اضطراب، پنیک اتک و استرس پس از سانحه هستند. این کودکان ممکن است که تبدیل به یک آزارگر شوند. رفتارهای پرخاشگرانه در محیط مدرسه و نسبت به همسالان نخستین نوع خشونتی است که احتمال دارد از یک کودک قربانی خشونت خانگی سر بزند. همچنین این افراد ممکن است پس از بزرگسالی و ازدواج نسبت به همسر و فرزندانشان رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشند.

خشونت خانگی علیه زنان

زنان دومین گروه آسیب پذیری هستند که قربانی خشونت خانگی می‌شوند. آزار جسمی و جنسی، تحقیر، مصادره مالی و قطع عضو بیشترین آمار خشونت علیه زنان را به خود اختصاص می‌دهد. متأسفانه این اتفاقات زمانی دردناکتر می‌شود که زنان باردار باشند. بر پایه آمارهای موجود حدود ۱۵٪ زنان باردار آمریکایی مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند. گاهی زنان به خاطر فرزندانشان از طلاق و جدایی خودداری می‌کنند. در این حالت آن‌ها ناچارند هر روز خشونت را تحمل کنند و دچار اختلالات روان‌شناختی گوناگون می‌شوند. آمار خودکشی زنان ناشی از خشونت خانگی بسیار بالاست.

خشونت خانگی علیه مردان

میزان خشونت خانگی علیه مردان، نسبت به کودکان و زنان پایین‌تر است اما نمی‌توانیم وجود آن را انکار کنیم. این خشونت‌ها بیش‌تر جنبه جسمانی و روانی دارند. کتک زدن، مجروح کردن با چاقو و قطع عضو اصلی‌ترین نمونه‌های به عنوان جنجالی‌ترین خشونت علیه مردان است. شاید بتوانیم از جانی دب مردی یاد کنیم که قربانی خشونت خانگی شد. امبر هرد همسر جانی دب به او خیانت می‌کرده و او را مورد آزار جسمانی و روانی قرار می‌داده است. در فایل صوتی که از امبر هرد منتشر شده او به رفتارهای خشونت‌آمیز علیه جانی دب اعتراف می‌کند. امبر هرد در یکی از این اقدامات باعث قطع شدن بخشی از بند انگشت دست همسرش شده بود.

خشونت خانگی علیه والدین و سالمندان

سالمند آزاری نوع دیگری از خشونت خانگی است. خشونت علیه سالمندان به روش‌های گوناگون انجام می‌گیرد. بدرفتاری کلامی و جسمی، بی‌توجهی عاطفی، مصادره مالی، توهین و تحقیر، بی‌توجهی و بهداشت و تغذیه، کتک زدن و نابود کردن وسایل مورد علاقه سالمندان بارزترین نمونه‌های سالمند آزاری است. یک سالمند روحیه‌ای شکننده و حساس دارد و این رفتارها می‌تواند او را با مشکلات جدی جسمانی و روانی روبه‌رو کند که گاهی جبران‌ناپذیر است.

اثرات روان‌شناختی خشونت خانگی چیست؟

خشونت خانگی زمینه‌ساز بروز اختلالات روانی گوناگون می‌شوند. از آنجایی که فرد در محیطی ناسالم به زندگی خود ادامه می‌دهد؛ درمان اختلالات روانی بسیار دشوار خواهد بود. همچنین کسانی که قربانی خشونت خانگی هستند

ممکن است که تبدیل به یک آزارگر شوند. برای نمونه کودکی که سال‌ها قربانی خشونت خانگی شده است، ممکن است پس از ازدواج و صاحب فرزند شدن، فرزندش را مورد آزار و خشونت قرار دهد. این حالت می‌تواند به یک چرخهٔ دنباله‌دار تبدیل شود. برخی از اختلالات روان‌شناختی که ممکن است افراد در نتیجهٔ خشونت خانگی به آن دچار شوند عبارتند از:

- و دوقطبی اختلال افسردگی .
- و استرس پس از سانحه استرس حاد .
- و اضطراب فراگیر اضطراب اجتماعی .
- پنیک اتک .
- اعتیاد .
- اختلالات شخصیت .
- خودکشی .
- و

چگونه از خشونت خانگی پیشگیری کنیم؟

دولت و نهادهای قانون‌گذار اصلی‌ترین نقش را در پیشگیری و برطرف کردن خشونت خانگی بر عهده دارند. افزایش آگاهی از طریق مدارس و رسانه‌ها، تصویب قوانین حمایت‌گرانه از قربانیان خشونت خانگی و فراهم کردن بستر برای درمان و بازپروری قربانیان از وظایف مهم دولت و نهادهای حکومتی است. متأسفانه قوانین کشورمان در زمینهٔ حمایت از قربانیان خشونت خانگی

دچار نقص‌های گوناگون و ناکارآمدی است. نهادهای بازپروری مانند کلینیک‌های روان‌شناسی هم می‌توانند در حل مشکلات روحی و اختلالات روان‌شناختی قربانیان نقش مهمی داشته باشند.